



مدرسان شریف

CHAPTER ONE

((Architectural Design))

A sample of museum project

- CHICHU ART MUSEUM, NOASHIMA

Japanese **architects** tend not to tamper with land. However Ando is not loathe to shape land. He placed importance on site planning even as a young architect. In Rokko Housing, he took up the **challenge** of a **steep** hillside; in Suntory museum, he used a seaside site to create a new **relationship** between the sea and architecture.

نمونه‌ای از یک پروژه موزه

– موزه هنر چیچو، نواشیما

معماران ژاپنی تمایلی به مداخله کردن در زمین ندارند. اما آندو با شکل دادن به زمین موافق است. او حتی در دوران جوانی به طراحی سایت اهمیت می‌داد. در پروژه روکو او به **مقابله** با شیب تند تپه پرداخت. در موزه سانتوری، او از دید به دریا برای خلق **ارتباط** جدید بین معماری و دریا استفاده کرد.

Twenty years later, in the Chichu Art Museum, he created a dramatic **museum** of art by burying **geometrical** forms beneath the mountainside. Naoshima is a small island in the Inland Sea. Ando has been involved with this island for well over ten years.

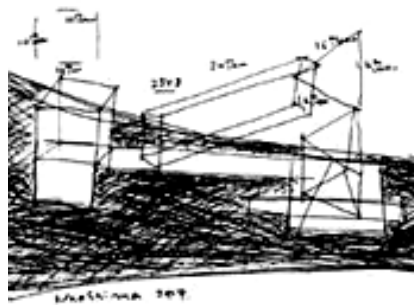
بیست سال بعد، در موزه هنر چیچو، او با دفن کردن فرم های هندسی در دامنه کوه یک **موزه** شگفت‌انگیز خلق کرد. نواشیما یک جزیره کوچک در دریای داخلی ژاپن است. آندو حدود ده سال با این جزیره درگیر بود.



Although the Chichu Art Museum **is located** on a hill on the island, the building is buried completely in the ground out of **consideration** for the natural scenery of the Inland Sea.

اگرچه موزه هنر چیچو بر روی تپه‌ای در جزیره واقع است، اما ساختمان آن بدون **در نظر گرفتن** مناظر طبیعی دریا به طور کامل در زمین فرو رفته است. The museum as a whole is composed of galleries organized around two **courtyards**, one an **equilateral** triangle and the other a square in plan, and the open-air passageways linking those galleries.

کل ساختمان موزه، گالری‌هایی است که اطراف دو **حیاط** قرار گرفته اند که در پلان، یکی از آنها مثلث **متساوی الأضلاع** و دیگری مربع می‌باشد و راهروهای عبوری رو بازی این گالری‌ها را به هم متصل می‌کنند.



A sample of housing and business project

- HOUSE ON MICHAELERPLATZ, VIENNA

The **most famous** building designed by Adolf Loos is located on the centre of Vienna, in prominent position on Michaelerplatz across from the imperial Hofburg. The architectural and civic **development** of the Michaelerplatz has shaped Vienna for centuries.

نمونه‌ای از یک پروژه مسکونی تجاری

– خانه میشلر پلاتز، وین

مشهورترین ساختمان طراحی شده توسط لوس در مرکز شهر وین، در موقعیتی عالی در میشلر پلاتز در کنار کاخ سلطنتی هافبرگ واقع است. توسعه شهری و معماری ناشی از میشلر پلاتز، وین را برای قرن‌ها شکل داده است.

Adolf Loos designed and **defined** the present city space for the gentlemen's outfitter Goldman and Salatsch. When **owners** of the company Goldman & Salatsch bought the lot in April 1909, they announced an architectural **contest** between 9 invited architects.

آدولف لوس این فضای شهری را براساس خواسته گولدمن و سالانچ طراحی و **تعریف کرد**. زمانی که مالکین شرکت گولدمن و سالانچ این قطعه زمین را در آوریل ۱۹۰۹ خریدند، آنها یک **مسابقه معماری** بین ۹ معمار دعوت شده برگزار کردند.



Actually the competition brought no **satisfactory** result and Loos was **commissioned** with a design. The apartment and **business** building consist in the upper floors of four storeys of apartments and in the lower area of three business floors; and the first time Loos realized the Raumplan (the spatial height differentiation of **various** single rooms) on a large scale.

مسابقه نتیجه **رضایت‌بخشی** نداشت و در نهایت لوس **مأمور** به طراحی این پروژه شد. ساختمان **تجاری** و مسکونی شامل ۴ طبقه بالایی مسکونی و ۳ طبقه پائینی تجاری بود و برای اولین بار لوس ایده «پلان فضایی» را در یک پروژه با مقیاس وسیع عملی کرد. (فضاهایی با ارتفاع‌های متفاوت از اتاق‌های متنوع مجزا)

The building is a steel concrete construction with flexible division of **interior** space through. A steel-concrete frame spans the entire **width** of the Michaelerplatz storefront (14.13meters), in which the 4 marble pillars are positioned.

ساختمان از سازه فولادی-بتنی برخوردار می‌باشد که تقسیمات متنوعی را در فضای **داخلی** با استفاده از پارتیشن‌ها به وجود آورده است. یک قاب فولادی-بتنی کل عرض نمای تجاری (۱۴/۱۳ سانتی متر) را با ۴ ستون با پوشش سنگ مرمر در بر می‌گیرد.

A sample of cultural and training project

- SCIENCE LIBRARY, UNIVERSITY OF COLIFORNIA

The library will be a campus **landmark** and **centrepiece** for the Sciences. Highly visible from all around, it doubles as a **gateway** to the plaza and a **portal** to the biological sciences **quadrangle**. The circular **courtyard** will be experienced by passers-by as well as users, **functioning** both as the entrance to the library and a place to meet friends.

نمونه‌ای از یک پروژه آموزشی و فرهنگی

– کتابخانه دانشگاه کالیفرنیا

کتابخانه به عنوان نشانه‌ای در محوطه دانشگاه و نقطه عطفی برای سایر دانشکده‌ها خواهد بود. از همه جا به خوبی قابل رؤیت بوده و به دو طریق، یکی به عنوان دروازه‌ای برای میدان و دیگری به عنوان سردر ساختمان چهار ضلعی دانشکده زیست شناسی عمل می‌نماید. حیاط مرکزی دایره‌ای شکل توسط رهگذرها و کاربران مورد استفاده قرار می‌گیرد و عملکرد آن به عنوان ورودی کتابخانه و محلی برای ملاقات دوستان خواهد بود.

The entrance colonnade is first in a sequence of **contracting** and **expanding** spaces. Splayed walls focus on the central courtyard encouraging **passage** into and through the building, which opens onto a **tree-lined square** incorporating the existing **arroyo** and redwood **grove**.

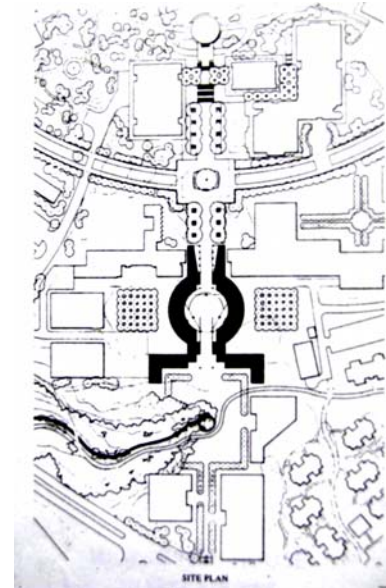
راهرو ورودی به عنوان اولین عنصر در توالی فضاها باعث جمع شدن و پخش شدن سایر قسمت‌ها می‌شود (فضای مکث). دیوارهای خم شده به سمت حیاط دایره‌ای شکل، حرکت و گذر از میان ساختمان را تشویق می‌کنند. این حرکت به مربعی که اضلاع آن را درخت تعریف کرده است، باز می‌شود که باعث یکپارچگی نهر آب موجود و بیشه درختان چوب سرخ می‌شود.

This **spatial progression** ensures an attractive **promenade** between the ring-mall and the **medical school**, reducing the **apparent length** of the biological sciences mall which is the longest on **campus**.

این تکامل فضایی، پیاده روی تفریحی جذابی را بین مسیر حلقوی و دانشکده پزشکی به وجود می‌آورد که باعث کاهش طول ظاهری مسیر دانشکده زیست شناسی که طولانی‌ترین مسیر در محوطه دانشگاه می‌باشد، می‌شود.

The central court allows the entrances to be located at the **heart** of the building and provides an allround light source to the interior. The form centres the **architectural composition** and allows the building **to face** in different direction – a gateway to the ring-mall and a wide **embracing façade** towards the medical school.

حیاط مرکزی اجازه ورود به ساختمان را از مرکز آن می‌دهد و به عنوان یک منبع نور کاملاً گرد، امکان استفاده از نور را برای فضاهای داخلی فراهم می‌کند. این فرم به ترکیب اجزای معماری تمرکز می‌دهد و اجازه می‌دهد تا ساختمان به جهات مختلف رو کند. به طریقی که از آن به عنوان یک دروازه برای مسیر گرد و یک نمای دعوت کننده وسیع به سمت دانشکده پزشکی استفاده شود.



Over 2,000 **reader places** are provided, accommodation being arranged on six floors. Entry is at grade via the central courtyard. Three passenger elevators, one staff/freight **elevator** and five **staircases** provide **vertical circulation**.

بالغ بر ۲۰۰۰ مکان مطالعه فراهم شده که در شش طبقه قرار گرفته است. ورودی در میان حیاط مرکزی ایجاد شده است. سه آسانسور مسافر و یک آسانسور بار – کارمند و ۵ راه پله، ارتباط عمودی را برقرار می‌کنند.

The building has a stucco finish with **sandstone base** and string courses. Overhanging **eaves** conceal the **service plant** on the roof. Construction will be completed in 1992.

ساختمان دارای روکار گچ با ازاره‌ی ماسه سنگ و ردیف‌های آجر می‌باشد. پیش آمدگی لبه بام جلوی دید تجهیزات تأسیساتی روی بام را می‌گیرد. اجرای ساختمان در سال ۱۹۹۲ تمام خواهد شد.



A sample of residential complex

- RESIDENTIAL DEVELOPMENT CANARY WHARF, LONDON

In response to the **developer's land use** reappraisal our alternative design proposes a large riverside park with **terraces** stepping down to the Thames.

نمونه‌ای از یک پروژه مجتمع مسکونی

– توسعه مسکونی کنری ورف لندن

در پاسخ به توجه درباره موضوع **کاربری زمین** که بساز **بفروش‌ها** مطرح کردند، طرح پیشنهادی ما شامل پارکیست در کنار رودخانه تیمز که به صورت **تراس‌های پله‌ای** به سمت رودخانه پایین می‌رود.

This garden is **semi-enclosed** on the **inland sides** by **linear buildings** containing offices, **retail** spaces and a hotel. The new park will contain apartment towers ranged informally along the river front.

این باغ به صورت نیمه باز در قسمت **داخلی** رودخانه قرار گرفته و توسط **ساختمان‌های** به شکل **خطی** شامل دفاتر و فضاهای اداری، **خرده فروشی** و یک هتل محصور می‌گردد. پارک جدید برج‌های آپارتمانی نامنظم را در خود جای داده که در طول کرانه رودخانه قرار می‌گیرند.

The park **surrounds** the existing West Ferry Circus, a large **roundabout** which, together with its approach roads, will be incised into the **stepped terraces**.

این پارک، ساختمان موجود سیرک وست فری را **احاطه می‌کند**، یک **میدان** بزرگ به همراه مسیره‌های منتهی به آن در دل این **تراس‌های پله‌ای** جای گرفته‌اند.

The **airy spaciousness** of the park will provide a **contrast** with the **commercial core** of Canary Wharf, it combines **public and private open spaces**, accessible as appropriate to residents, office workers and the **adjacent communities**.

فضای **دل‌باز و وسیع** پارک **تضادی** را در مقایسه با **مرکز تجاری** کنری ورف (اسکله قناری) به وجود می‌آورد، به صورتی که **فضاهای باز عمومی و خصوصی** را با هم ترکیب نموده و به شکل مناسبی برای ساکنین، کارمندان دفاتر، **محل‌های مجاور** قابل دسترس است.

The new park will create an interesting gateway to Canary Wharf, the varied building forms with their **reflective** glass surface creating a dramatic river-front on the Thames. Residents, office workers and visitors could enjoy garden walks, picnics and **impromptu** events on these terraces.

پارک جدید دروازه جذابی را به سمت کنری ورف به وجود می‌آورد و فرم‌های متنوع ساختمانی با سطوح شیشه‌ای **منعکس کننده**، صحنه‌های زیبا و شگرفی را در کنار رودخانه تیمز به وجود می‌آورند. ساکنین، کارمندان دفاتر و بازدیدکنندگان می‌توانند از پیاده روی‌های درون باغ لذت برده و در تراس‌های درون آن به برگزاری تفریح و فعالیت‌های **غیر رسمی** بپردازند.

The residents of towers would enjoy views of the Thames. A loggia overlooking the park contains pubs, restaurants and shops with **access** to the **perimeter office buildings**. The site planning of individual buildings allows flexibility with the **investment and implementation**.

ساکنین برج‌ها می‌توانند از دید و منظر رودخانه لذت ببرند. ایوان مشرف به پارک، چندین میخانه، رستوران و مغازه را در خود جای می‌دهد که به **ساختمان‌های اداری اطراف آن دسترسی** دارند. طراحی سایت به ساختمان‌های خصوصی امکان انعطاف پذیری در سرمایه گذاری و اجرا را میسر می‌کند.

Each building has its own parking and services **infrastructure**, which could be constructed **independently** for each tower. **Consequently** the development could be phased, and constructed over the period of time.

هر ساختمان دارای پارکینگ و خدمات **تاسیسات زیر بنایی** مخصوص به خود می‌باشد که می‌تواند به صورت **مستقل** برای هر برج ساخته شوند. بنابراین توسعه را می‌توان مرحله‌بندی نمود و ساخت و ساز را در طول دوره زمانی انجام داد.

Definitions

Access: دسترسی

the ability, freedom or permission to approach, enter or use

توانایی، آزادی یا اجازه رسیدن، ورود یا استفاده

Aesthetic: زیبایی شناختی

Pertaining to the visual nature of an object or work of art; visually and sensually pleasing, beautiful.

به ماهیت بصری یک شیئی یا یک اثر هنری مربوط می‌شود، جذاب از نظر بصری و حسی، خوشایند.

Abstract Art: هنر ذهنی (انتزاعی)

A branch of art which is nonrepresentational or freely represents reality in the form of patterns and colours.

شاخه‌ای از هنر که واقعیت را به شکل آزاد با الگوها و رنگ‌ها به نمایش در می‌آورد.

**Ambiguity:** ابهام

the state or quality of being susceptible to uncertainty of meaning or multiple interpretation

وضعیت یا کیفیتی مبهم و مشکوک از یک معنی یا تعبیر چندگانه

Concrete Art: هنر عینی

A form of abstract art consisting of non-representational forms and the 'concrete' implements of the artist such as line and colour.

شکلی از هنر انتزاعی که در آن هنرمند از عناصر غیر طبیعی و عینی مانند خط و رنگ استفاده می‌کند.

Conceptual Art: هنر مفهومی

Concept Art; A form of art originating during the 1960s in which the inherent idea, language or symbolism is central to the work of art itself.

شکلی از هنر که از دهه ۱۹۶۰ شروع شده و در آن ایده، بیان یا نشانه اصلی در مرکز توجه اثر هنری قرار می‌گیرد.

Concept: کانسپت

1- A general abstract notion; a principle or central idea relating to a certain range of things.

۱- تصور انتزاعی کلی، ایده اصلی مربوط به یک سلسله عناصر

2- the underlying or generating thought, idea, philosophy, method or process for a design proposal or scheme.

۲- اندیشه غالب و تولید شده، ایده، فلسفه، روش یا فرایند یک طرح اولیه یا پیشنهادی

Conceive: تصور

to form an idea or conception in the mind

شکل دادن به یک ایده یا مفهوم ذهنی

Concrete: بتن

A mixture of sand, aggregate, cement and water, often including admixtures, which sets to form a hard, versatile building material, mainly used for its structural properties;

مخلوطی از ماسه، شن، سیمان، آب و اغلب افزودنی که ترکیبی سخت را به وجود می‌آورند. مصالح ساختمانی فراگیر که در کارهای سازه‌ای استفاده می‌شود.

Concrete Admixture: افزودنی بتن

A substance added to a concrete mix with the aim of changing its properties of drying, setting, workability etc.

ماده‌ای که به ترکیب بتن اضافه شده تا باعث تغییر کیفیت‌های گیرایی، کارایی و اجرا شود.

Contrast: تضاد

Tension formed by opposites of form, size and colour in architectural composition.

تنشی که ناشی از تفاوت فرم، اندازه و رنگ در ترکیب اجزای معماری باشد.

Convergence: همگرایی

1- The meeting of a number of lines at a point.

۱- برخورد یک دسته از خطوط در یک نقطه

2- In perspective, the apparent radiation of parallel lines from a point an infinite distance away.

۲- در پرسپکتیو، برخورد راستاهای ظاهری خطوط موازی در نقطه‌ای واقع در بی‌نهایت

Design process: روند طراحی

a purposeful activity aimed at devising a plan for changing an existing situation into a future preferred state

یک روند هدفمند بر پایه پیشبرد یک طرح برای تغییر وضع موجود به وضعیت مطلوب آینده

Direction: جهت

1. the position, course or line of an object in relation to points of a compass, a map etc.

2. orientation.

موقعیت، مسیر یا خط حرکت یک جسم با توجه به یک قطب نما، نقشه یا غیره

Draft: طرح اولیه

a preliminary version of a plan or design, scheme

نسخه اولیه از یک پلان یا طرح

Décor: دکور

The combination of materials, furnishings, and objects used in interior decorating to create an atmosphere or style.

ترکیبی از مصالح، مبلمان‌ها و اشیایی که در دکوراسیون داخلی استفاده می‌گردند تا یک سبک یا جو خاصی را خلق کنند.

Fabric: بافت

1- The basic elements making up a building; the carcass without finishings or decoration.

۱- عناصر اصلی سازنده یک ساختمان، اسکلت بدون نازک کاری و مبلمان



2- Cloth; a textile material woven or otherwise fused from natural, mineral or synthetic fibres.

۲- در لباس، مواد بافته شده یا به عبارت دیگر، ترکیبی از الیاف طبیعی، معدنی یا مرکب

3- The main constructional mass of a building, its frame, structure, walling, roofing and floors.

۳- توده اصلی ساختمانی از یک بنا، قاب، سازه، دیوارچینی، سقف و کف آن

Façade: نما

1- a grand or imposing elevation or outside face of a building.

۱- وجه بیرونی یا ظاهر تحمیل شده از یک ساختمان

2- The exterior face of a building which is the architectural front, sometimes distinguished from the other faces by elaboration of architectural or ornamental details.

۲- چهره بیرونی یک ساختمان که در جلوی معماری آن قرار می‌گیرد و گاهی اوقات به وسیله تزیینات از سایر وجوه متمایز می‌گردد.

Hatching: هاشور

straight lines drawn close together to form a field or screen

خط‌های راستی که در یک محیط بسته ترسیم می‌شوند تا یک زمینه یا سطح را نمایش دهند.

Masonry: بنایی

1- The art of shaping, arranging, and uniting stone, brick, building blocks, etc., to form walls and other parts of a building.

۱- هنر شکل دادن، چیدن و یکپارچه کردن قطعات سنگ، آجر، بلوک‌های ساختمانی و غیره برای ساخت دیوارها و سایر بخش‌های یک ساختمان

2- Construction using masonry units of such materials as clay, shale, glass, gypsum, or stone, set in mortar;

۲- اجرای ساختمان با استفاده از مصالح بنایی نظیر گل، سنگ، شیشه، گچ و ملات

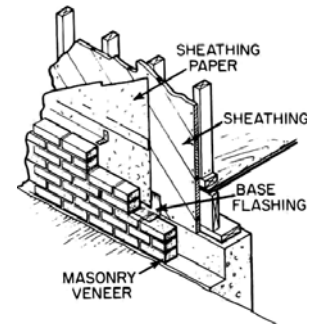
3- Any construction in laid bricks, blocks or stone;

۳- هر گونه اجرای ساختمانی با آجر، بلوک یا سنگ

Masonry Veneer: روکار بنایی

A masonry facing laid against a wall and not structurally bonded to the wall.

یک نمای روکار اجرا شده در جلوی دیوار که از نظر سازه‌ای با آن ارتباط ندارد.



۱- یک حجم جامد عظیم در ترکیب اجزای معماری

۲- یک بدنه همگن از مواد پلاستیکی و منعطف

Mass: توده

1- a large solid volume in architectural composition.

2- a homogeneous body of malleable, plastic material.

Organic: ارگانیک

pertaining to shapes and forms having irregular contours which appear to resemble those of living plants or animals

به اشکال یا فرم‌هایی اطلاق می‌شود که محدوده نامنظمی دارند و مشابه فرم‌های گیاهی و حیوانی‌اند.

Opaque: مات

when a shape permits no light or underlying color to show through it

هنگامی که یک سطح اجازه عبور نور یا رنگ‌های قوی را از خود ندهد.

Outlining: خط بیرونی

the simple line boundary defining a shape, without additional in fill within the shape

خط پیرامونی ساده‌ای که یک شکل را بدون در نظر گرفتن داخل آن تعریف می‌کند.

Olfactory: بویایی

relating to or based on the sense of smell

براساس حس بویایی یا وابسته به حس بویایی

Project: پروژه

1- A construction undertaking, composed of one or more buildings and the site improvements, planned and executed in a fixed time period.

۱- یک کار ساختمانی تشکیل شده از یک یا چند بنا و سایت که در مدت زمان ثابتی طراحی و اجرا می‌گردد.

2- The total construction designed by the architect, of which the work performed under the contract documents may be the whole or a part.

۲- ساختمان طراحی شده توسط معمار که بر اساس قرارداد کل یا بخشی از آن اجرا می‌شود.

Project Architect: معمار پروژه

The architect who heads the design team on a construction project and who usually oversees its work.

معماری که سرپرستی گروه طراحی را در یک پروژه ساختمانی به عهده داشته و بر آن نظارت می‌کند.

Proportion: تناسبات

1- An aesthetic quality relating to the massing and relative sizes of forms, lines etc.

۱- یک کیفیت زیبایی شناختی مرتبط با فرم و ابعاد نسبی اشکال، خطوط و غیره

2- The empirical or numerical comparison of one dimension or quantity with another.

۲- مقایسه تجربی و شمارشی یک بعد یا کمیت با سایر ابعاد

Repetition: تکرار

In architectural composition and planning, the recurrence of a motif or element in plan or elevation

در طراحی و ترکیب اجزای معماری، استفاده مکرر از یک نقش یا عنصر در پلان یا نما

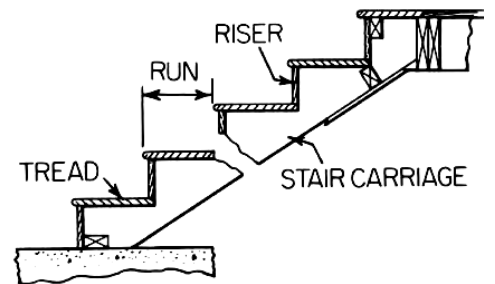
Stair : پلکان

1- stairs, staircase, stairbox, stairway; a means of vertical circulation consisting of a number of steps from one level to another; although usually called 'stairs' in the colloquial,

۱- راه پله، جعبه پله، وسیله‌ای برای برقراری ارتباط عمودی از طبقه‌ای به طبقه دیگر شامل تعدادی پله که در زبان محاوره‌ای 'stairs' نامیده می‌شود.

2- A series of steps (or flights of steps), connected by landings, that permit passage between two or more levels or floors.

۲- مجموعه‌ای از پله‌ها که با پاگرد به هم متصل می‌باشند و اجازه گذر بین دو یا چند طبقه را فراهم می‌کنند.

**Simulation:** شبیه سازی

to create a likeness or model of something anticipated for testing and evolution

خلق یک ماکت یا مدلی مشابه از چیزی تا بتوان برای آزمایش و پیشبرد آن تصویری ایجاد کرد.

Symmetrical: متقارن

1- well proportioned, harmonious, in balance.

۱- خوش تناسب، هماهنگ، متعادل

2- in geometry, pertaining to a figure which, when bisected by an axis, is divided into two areas which are mirror images of one another.

۲- در هندسه، به شکلی اطلاق می‌شود که اگر محوری آن را دو بخش کند، به دو قسمت مساوی تقسیم شود.

Symmetry: تقارن

the quality of an object which is symmetrical.

کیفیت متقارن از یک جسم

Shape: شکل

form; the two- or three-dimensional profile of an object.

فرم، مقطع دوبعدی یا سه بعدی از یک جسم

Suite: سوئیت

a connected series or group of rooms arranged to be used together

مجموعه‌ای یا گروهی از اتاق‌ها که با هم مورد استفاده قرار می‌گیرند.

Texture: بافت

1- The tactile and visual quality of a surface or substance other than its color.

۱- کیفیت بصری و حسی از یک سطح یا ماده بدون در نظر گرفتن رنگ آن

2- A property relating to the smoothness, softness, coarseness etc. of a surface.

۲- کیفیت مربوط به صافی، نرمی، زبری و غیره از یک سطح

3- The structural character of a solid object or granular material.

۳- ویژگی ساختاری از یک جسم جامد یا یک ماده بلوری

Vestibule: هشتی یا هال ورودی

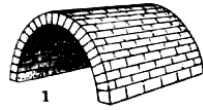
a small entrance hall between the outer door and the interior of a house or building

یک هال ورودی کوچک بین فضای بیرونی و داخلی یک ساختمان یا خانه

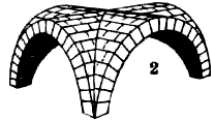
Vault: طاق

A structure based on the principle of the arch, often constructed of masonry; typically consists of an arrangement of arches

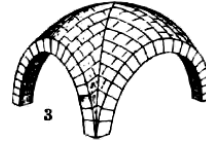
سازه‌ای که بر اساس اصول قوس شکل می‌گیرد و اغلب با مصالح بنایی ساخته می‌شود و معمولاً شامل چندمان مختلفی از قوس‌ها است.



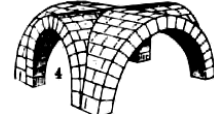
1. barrel vault
طاق گهواره‌ای



2. intersecting vault
طاق متقاطع (چهارطاقی)



3. domed vault
طاق گنبدی

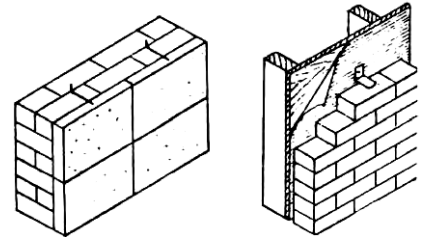


4. stilted vault
طاق پابند

Veneered construction: جداره روکار

A reinforced concrete or steel framework (or wood construction) which is faced with a thin external layer of marble, structural glass, or some other facing material.

یک لایه نازک خارجی از مرمر، شیشه ساختمانی یا سایر مصالح که در کنار سازه بتنی یا فلزی (یا چوبی) قرار می‌گیرد.



Vocabulary

Above: روی

on, upon, up : دقیقاً بالای سر

It is almost 3 meters above pedestrian's head

تقریباً ۳ متر بالای سر عابر پیاده است.

Architectural design: طراحی معماری؛ طرح معماری

Architectural design is a relative affair

طراحی معماری امری نسبی است.

Architect: معمار

building designer, designer, builder, originator, draftsman, planner, inventor : مهندس، سازنده، طراح، مبدع

How architect find Renzo Piano? I found him a knowledgeable architect.

رنزو پیانو چگونه معماری است؟ او را معمار با دانشی دیدم.

Ambitious: بلند پرواز

soaring, aspirant, ruthless, go getting, motivated: با انگیزه، جاه طلب، بلند همت، بلند نظر

Any architect or student of architecture should be ambitious.

هر معمار یا دانشجوی معماری باید بلند پرواز باشد.

Ambition: هدف

goal, aim, target, cause, objective, purpose, aspiration, desire: مقصد، نشانه، هدف کلی، منظور، مراد، خواسته

You should have lofty ambitions for progression in architecture.

شما باید در معماری اهداف بلندی داشته باشید.

Article: مقاله

paper, essay, piece of writing: گفتار، فصل، تحقیق، انشاء، نوشتار

I have written an article under title of incubus of architecture.

من یک مقاله تحت عنوان کابوس معماری نوشته‌ام.

Abstract: چکیده

synopsis, summary: خلاصه، مجمل، اجمال، مختصر

Please submit the abstract of your article to the secretariat of the seminar by the end of the week.

لطفاً چکیده مقاله تان را تا پایان هفته به دبیرخانه سمینار ارائه دهید.

Ambiguity: ابهام

vagueness, uncertainty, haziness, indistinctness, doubt, گنگی، نامعلومی، شک، تردید، گمان، ظن

This architectural style is replete with ambiguity.

این سبک معماری پر از ابهام است.

Abstract Art: هنر انتزاعی

intellectual, subjective, intangible, nonfigurative, هنر غیرتجسمی، ذهنی، نامرئی، غیر عینی

I am also interested in abstract art.

من به هنر انتزاعی نیز علاقه مندم.

Attitude: نظر

doctrine, opinion, idea, notion, thought, sight, discretion, look, viewpoint, belief,

اندیشه، فکر، رأی، ایده، نقطه نظر، دیدگاه، طرز تفکر، عقیده،

It depends on your attitude towards architecture.

بستگی به تلقی شما از معماری دارد.

**Below:** زیر

under, nether, beneath, underneath, پایین

It is 200 feet below the sea level

تحت؛ ۲۰۰ پا پایین تر از سطح دریا است.

Aesthetic: زیبایی شناختی

artistic, هنرمندانه

In my opinion aesthetic aspect of architecture is the most important one.

به نظر من جنبه زیبایی شناختی معماری مهمترین جنبه آن است.

Bust: مجسمه نیم تنه

statue, تندیس

There was a bust on the pedestal.

یک مجسمه نیم تنه روی پایه قرار داشت.

Bizarre: خاص

special, particular, specific, sacred, strange, fantastic, weird, odd, out of the ordinary, wacky,

عجیب و غریب، جالب، خیالی، خارق العاده،

One of these points is its bizarre architecture.

یکی از این نکات، معماری خاص آن است.

Breeze: نسیم

gentle wind, light wind, puff of air, zephyr, باد ملایم، باد سبک، باد صبا،

A gentle breeze was blowing in this building.

نسیم ملایمی در این ساختمان در حال وزیدن بود.

Beauty: زیبایی

attractiveness, prettiness, exquisiteness, magnificence, حسن، دلربایی، جمال، شکوه، لطافت، قشنگی، جذابیت،

Beauty is truth, truth beauty that is all you know on earth and all ye need to know.

زیبایی حقیقت است، حقیقت زیبایی همه آن چیزی است که در زمین می‌دانی و همه آن چیزی که لازم است که بدانی.

Brave: شجاع

fearless, bold, valiant, courageous, با شهامت، دلیر، باجرات، جسور، نترس،

To give him his due, he is a brave architect.

از حق نگذریم، او معمار جسوری است.

Commission: مأموریت

mission, expedition, مسئولیت

Your commission is interior design of this building.

مأموریت شما طراحی داخلی این ساختمان است.

Commercial: تجاری

trading, shopping, business, profitable, marketable, saleable, داد و ستد، معامله، کار، کسب و فروش،

I prefer residential design to commercial design.

بازرگانی، خرید و فروش، کسب و کار، معامله، داد و ستد،

Concentric: هم مرکز

homocentric, متحدالمرکز، دارای مرکز مشترک،

His pattern involves some concentric circles.

من طراحی مسکونی را به طراحی تجاری ترجیح می‌دهم.

Collateral: جانبی

lateral, next, جنبی، عرضی، فرعی،

We have also collateral studies about this project.

طرح او شامل چند دایره متحدالمرکز است.

Client: کارفرما

owner, investor, user, customer, consumer, buyer, مشتری، ارباب رجوع، سرمایه گذار، استفاده کننده،

Architecture is a trilateral theme between architect, client and contractor.

معماری موضوعی سه جانبه بین معمار، کارفرما و پیمانکار است.

Contractor: پیمانکار

maker, outworker, builder سازنده، اجرا کننده، مقاطعه کار،

If client don't pay dues of contractor by the end of the week, the contract between them will be considers null and void.

اگر کارفرما تا پایان هفته مطالبات پیمانکار را نپردازد، قرارداد بین آنها کأن لم یکن خواهد شد.

**Century:** قرن

100 years, صد سال، سده،

These buildings are invaluable, because they concern to 15 centuries ago.

این ساختمان‌ها بسیار با ارزش اند، زیرا مربوط به ۱۵ قرن پیش می‌باشند.

Composition: ترکیب

compound, blend, mixture, مخلوط، آرایش، چیدمان، آمیزه،

The composition of these colours is very interesting.

ترکیب این رنگها بسیار جالب است.

Confrontation: تقابل

contrast, encounter, conflict, disagreement, مواجهه، مقابله، مقایسه، مغایرت، رویارویی، مواجهه شدن،

There is always a confrontation between tradition and modernism in Iranian architecture.

همواره تقابلی بین سنت و مدرنیسم در معماری ایرانی وجود دارد.

Concept: مفهوم

idea, notion, conception, perception, thought, doctrine, theory,

He has introduced novel concepts in architecture.

ایده، نظر، فکر، تئوری، تز، ادراک، تصور، عقیده، راهکار، مضمون
او مضامین بدیعی را در معماری معرفی کرده است.

Complicated: پیچیده

convoluted, complex, difficult, intricate, بگرنج، سخت، مشکل،

Design of this building is a very complicated process.

طراحی این ساختمان، فرایند بسیار پیچیده‌ای است.

Dilemma: دوراهی

between two ways, quandary, tight spot, catch22, انتخاب دشوار، مسأله غامض، سرگردانی، گره، تنگنا،

I am in a dilemma for design of this project, could you help me out this predicament.

من برای طراحی این پروژه بر سر دو راهی قرار دارم؛ آیا شما می‌توانید برای رهایی از این مخصصه به من کمک کنید.

Decade: دهه

10 years, ۱۰ سال

We live in the first decade of third millenium.

ما در اولین دهه از هزاره سوم می‌زیسیم.

Doctorate: دکترا

PHD, doctor of philosophy, درجه دکترا، تخصص دکترا،

They conferred an honorary doctorate upon him.

آنها یک دکترای افتخاری به وی اعطا کردند.

Equilateral: متساوی الاضلاع

rhombus, lozenge, دارای وجوه برابر،

A composition of two equilateral triangles has been employed.

ترکیبی از دو مثلث متساوی الاضلاع به کار گرفته شده است.

Design process: روند طراحی

stages of design, design development, design procedure, design progression,

فرایند طراحی، مراحل طراحی، فازهای طراحی، پیشبرد طراحی،

His design process is too episodic.

The design process of such buildings is absolutely unpredictable.

روند طراحی چنین پروژه‌هایی کاملاً غیر قابل پیش بینی است.

Enigmatic: معماگونه

mysterious, unknowable, unfathomable, inscrutable, پر رمز و راز، اسرار آمیز، مرموز، ناشناخته، مبهم،

Architectural design is an enigmatic affair, and it is full of mysterious.

طراحی معماری امری معماگونه است و پر از رمز و راز است.

Eradicate: ریشه کن کردن

uproot, root, قلع و قمع کردن، نابود کردن، از بین بردن،

For eradicating the problems of architecture, due measures should be taken.

برای ریشه کن کردن مشکلات معماری، اقدامات مقتضی باید صورت گیرد.